

برای امامعلی حبیبی نخستین آورنده طلای تاریخ ایران در المپیک صاحب فنون ابداعی و عاشق ایران

در هیاهوی دوران حرفه‌ای ورزش و پول پارو کردن در برخی ورزش‌ها و کمرنگ شدن برخی واژه‌های زیبا و ماندگار، یکی دیگر از پیران ورزش، نامداران عرصه سختکوشی، مدال آوری، غیرت و وفاداری به وطن و چهره‌های ماندگار و منحصر به فرد تشک کشتی از میان ما رخت برپست.

امامعلی حبیبی نام کوچکی در تاریخ ورزش ایران نبود و نخواهد بود؛ نوجوانی که در دوران مشقت ایران و ایرانی پس از جنگ دوم جهانی، موفق شد با تلاش و نوآوری مثال‌زدنی‌اش، چشم‌ها را به خود خیره سازد و نامی ماندگار در کشتی ایران و جهان شود. مبدع فنون نوآورانه‌ای که با استفاده از فنون ابداعی خودش، رقبا را به سرعت و با قدرت در خاک نشاند و بر سکوهای افتخار داخلی و خارجی ایستاد.افسوس که با رفتنش فنون ابداعی او نیز در خاک مدفون می‌شود، فتنوی که فقدانش باعث شده کشتی آن زیبایی و هیجان گذشته را نداشته باشد و جای آن را فن دل‌آزاری چون «هل دادن» تسخیر کند! این حسرت برای ما ایرانیان بیشتر خواهد بود، چراکه امامعلی تا پایان عمر در ایران زیست و مشتاق آموزش فنون ماهرانه و جذابش به جوانان وطن بود. چند ویژگی در زندگی این قهرمان نامدار برجستگی دارد:

۱- امامعلی حبیبی روستازاده‌ای بود که به رغم همه مشکلات با کوشش چشمگیر، کمر همه آنها راخم کرد و سری در میان سرها درآورد. مردی که همچنان که گفته شد خود مبتکر فنون بسیاری بود و با استفاده از فنون ابتکاری خود، قهرمانان نامور را خاک کرد و سکوهای داخلی و خارجی کشتی را تسخیر کرد.

۲- او نخستین طلای المپیک را با ارائه کشتی‌های تماشایی و اجرای فنون سرعتی بر رقبای سرشناس جهانی برای ایران به ارمان آورد، این طلای تاریخی از آن جهت ماندگارتر می‌شود که مرحوم حبیبی با تب ۴۰ درجه و مشکلات کبد در فینال المپیک، حماسه‌آفرینی کرد که بابت همین مساله تا یک ماه پس از فینال در بیمارستانی در استرالیا (محل برگزاری بازی‌ها) بستری شد تا روند درمان را طی کند.

۳- مرحوم حبیبی در دوران اوجش، با کشتی خداحافظی کرد و نخواست چنان بر تشک بماند تا عذرش را بخواهند.

۴- در کنار همه این معروفیت‌ها زنده‌یاد حبیبی، عشق به وطن را در کوچه پس کوچه‌های شهرت از دست نداد؛ با وجود همه درخواست‌هایی که از خارج کشور داشت در ایران ماند و تا لحظه آخر بدین عشق پایبند بود.

از مرگ گریزی نیست و امامعلی همچون همه روی در نقاب خاک کشید تا زین پس نامی از او در این جهان به یادگار بماند اما آیا ورزش ما ز داشته‌های این اسطوره و استاد فنون فراموش‌شده که به سبیش عضو تالار مشاهیر اتحادیه کشتی جهان شده بود، بهره لازم را برد؟!

نگاه

سوخته‌سرابی؛ قهرمانی که در ۲ جبهه درخشید

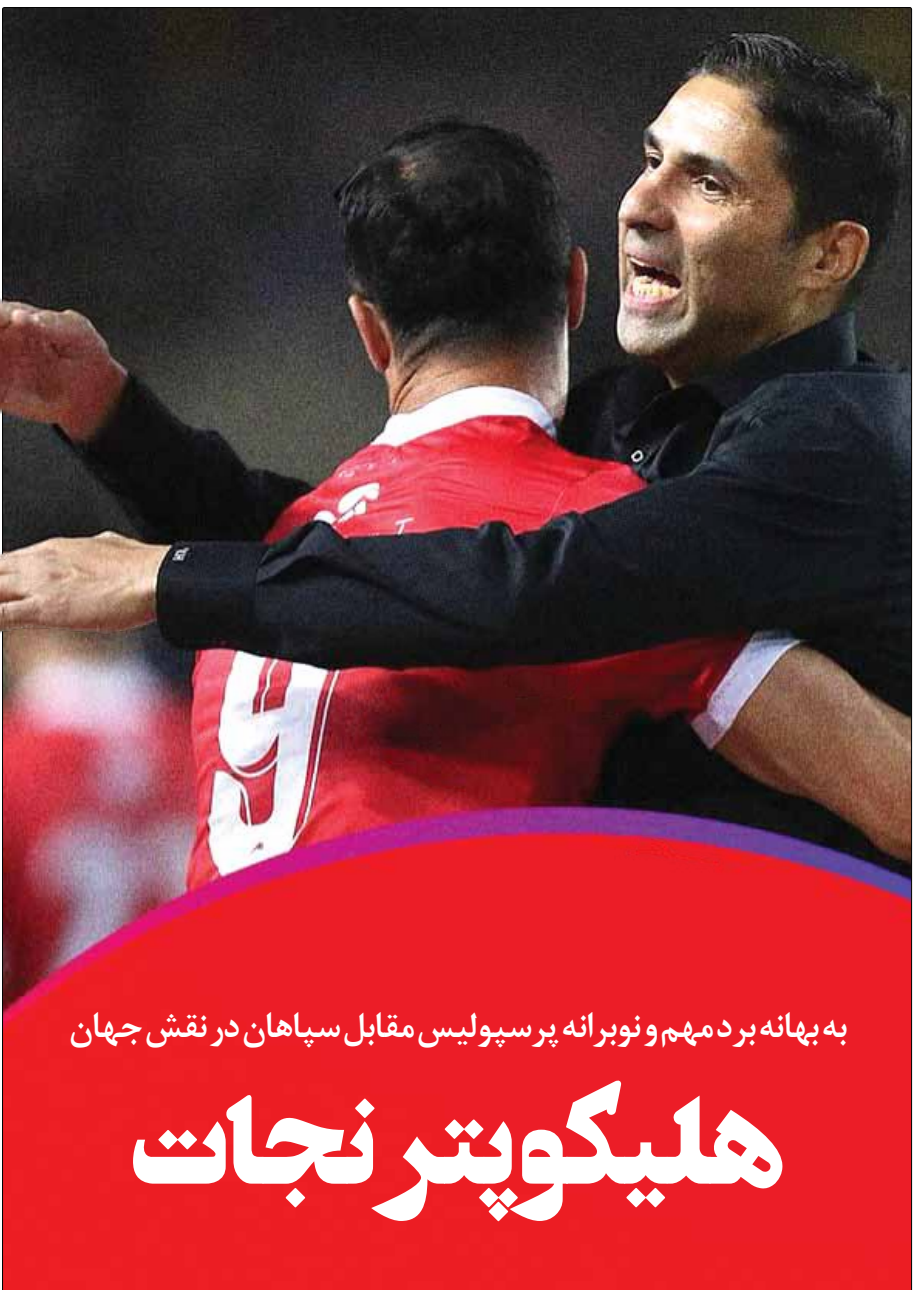
دوم شهریورماه امسال برای کشتی ایران غم‌هایی بزرگ در پی داشت؛ روزی که ۲ نام ماندگار و بی‌بدیل، رضا سوخته‌سرابی و امامعلی حبیبی، چشم از جهان فروبستند. گویی تقویم، دست در دست تقدیر گذاشته بود تا یک‌باره ۵ ستاره کهن آسمان کشتی خاموش شوند. رضا سوخته‌سرابی، مردی از نسل پهلوانان قدیم، تنها یک کشتی گیر نبود. او نمادی از پشتکار و اراده بود؛ ورزشکاری که هم در کشتی آزاد و هم در کشتی فرنگی افتخار آفرینی کرد و نامش را به‌عنوان یکی از معدود دلآورانی که در ۲ سبک جهانی خوش درخشیدند، در تاریخ ماندگار ساخت. مدال طلای بازی‌های آسیایی و نقره جهانی، تنها بخشی از کارنامه اوست اما ارزش کار سوخته‌سرابی فراتر از مدال‌ها و سکوها بود. او نشان داد می‌توان با تلاش و صبر، مرزها را شکست و در ۲ میدان متفاوت، قهرمان شد.

آنچه رضا را از بسیاری دیگر متمایز می کرد، روحیه جوانمردی و اخلاق حرفه‌ای‌اش بود. رقیب باز تحقیر نمی کرد، پیروزی را به رخ نمی کشید و در عین حال در شکست هم وقار خود را حفظ می کرد. همین خصلت‌ها بود که احترام جهانیان را برای او به همراه داشت. کشتی برایش تنها میدان رقابت نبوده؛ صحنه‌ای بود برای نمایش مرام پهلوانی و انسانیت.

همزمان با او، امامعلی حبیبی نیز از میان ما رفت؛ قهرمانی که طلای المپیک و ۳ طلای جهانی را در کارنامه داشت و سال‌ها برای ایران افتخار آفرید. تلخی ماجرا همین است که کشتی ایران در یک روز، ۲ ستون استوارش را از دست داد. یکی نماد توانایی در آزاد و فرنگی، دیگری اسطوره کشتی آزاد.

امروز جامعه کشتی در سوگ این ۲ مرد بزرگ نشسته است؛ از نوجوانی که تازه پایش به سالن کشتی باز شده تا پیشکشی‌هایی که سال‌هاست با این ورزش زندگی کرده، همه در یک حس مشترک غرقند: حس فقدان با این حال، رسالت اصلی ما تنها‌اندوه نیست، بلکه حفظ میراثی است که آنها بر جا گذاشتند. سوخته‌سرابی و حبیبی هر یک در مسیر خود به ما آموختند قهرمانی تنها به مدال و پیروزی نیست؛ به مرام، استقامت و فروتنی است. در روزگاری که گاهی شهرت‌های لحظه‌ای جای ارزش‌های پایدار را می گیرد، یاد رضا سوخته‌سرابی برای ما درس‌ی دوباره است: اینکه می‌توان هم قهرمان بود و هم پهلوان. می‌توان هم افتخار جهانی کسب کرد و هم انسانی شریف باقی ماند.

مرگ این ۲ نام‌آور، نقطه پایانی بر زندگی‌شان بود اما بی‌تردید آغاز دوباره‌ای در حافظه جمعی ورزش ایران است. نام‌شان زنده خواهد ماند و راهشان الهام‌بخش نسل‌های بعد خواهد شد.



به بهانه برد مهم و نوبرانه پرسپولیس مقابل سپاهان در نقش جهان

هلیکوپتر نجات

شکست سپاهان پس از ۴۴ ماه مقابل پرسپولیس

حسرت در خانه

آخرین شکست سپاهان از پرسپولیس به حدود ۲ سال قبل (۴۴ ماه پیش) بر می‌گشت و فصل گذشته زردپوشان اصفهانی به رهبری کارترن فرانسوی، رحم نکردند و در ۴ بازی پیاپی قرمزپوشان تهرانی را شکست دادند اما این طلسم در زمانی که پرسپولیس هاشمیان با فرم مطلوب فاصله دارد و روزی که کمتر کسی انتظار داشت، شکسته شد و تیم نویدک‌یا در زمین خود مغلوب شد.

تیم سپاهان که بلافاصله پس از رفتن سرمربی فصل گذشته‌اش (کارترن)، محرم نویدک‌یا را به عنوان سرمربی برگزید، بودعاش را بالغ بر ۵۰ درصدافزایش داد، اردوی پیش‌فصلش را بموقع آغاز و بازیکنان خوبی نیز به مجموعه‌اش اضافه کرد، خود را به عنوان یکی از مدعیان اصلی و بسیار جدی قهرمانی این فصل مطرح کرد. این تیم اما هفته نخست فقط با یک امتیاز انزلی را ترک کرد و هفته دوم نیز با وجود ارائه یک بازی سراسر هجومی و پر موقعیت نتوانست از پس پرسپولیس برآید و این مصاف حساس را واگذار کرد.



علیرضا دارابی

شاگردان نویدک‌یا در ورزشگاه نقش جهان، بازی را هجومی شروع و نیمه اول قرمزپوشان تهرانی را در زمین خود حبس کردند تا جایی که پرسپولیس ۴۲ دقیقه انتظار کشید تا بتواند نخستین حمله جدی خود را با سانتر پاکچ و ضربه سر کاظمیان بر دروازه سیدحسین حسینی ایجاد کند. سپاهانی‌ها اساس حملات خود را بر حرکت از کنارها قرار داده بودند و با ارسال‌های متفاوت از جناحین (در جریان بازی و ضربات کرنر) نتوانستند نیمه اول ۷ موقعیت گل روی دروازه پرسپولیس خلق کنند اما بی‌دقتی زردپوشان، واکنش‌های سیدپیام نیازمند و دیرک دروازه مانع رسیدن‌شان به گل شد.

هر چه از بازی و گل زدن‌های سپاهان می‌گذشت، می‌شد پیش‌بینی کرد به رغم میدان‌داری میزبان، پرسپولیس به گل و حتی پیروزی برسد، چراکه اینگونه حمله کردن شاگردان محرم و عدم استفاده از انبوه فرصت‌ها، باعث تنزل توان روحی میزبان و متقابلاً افزایش این توان در تیم میهمان که به دنبال گل نخوردن و استفاده از ضحمله بود، می‌شد؛ موضوعی که در عمل رخ داد و نیمه دوم هم در نحوه بازی

پرسپولیس در دومین هفته لیگ بیست‌وینجم، در شرایطی به نخستین برد خود دست یافت که همه نگاه‌ها به وحید هاشمیان و آینده کاری او دوخته شده بود. پیروزی در ورزشگاه نقش‌جهان ن‌تنها ۲ امتیاز ساده نبود، بلکه حامل پیام‌های متعددی برای تیمی بود که پس از نتیجه ضعیف هفته گذشته، نیاز داشت دوباره اعتمادبه‌نفس پیدا کند. باتک گل علی‌علیپور، سرخ‌پوشان توانستند حریف سنتی خود، سپاهان را مغلوب کنند؛ بر‌دی که به لحاظ روانی، اعتباری بزرگ برای تیم پایتخت به شمار می‌رود.

■ **عبور از سایه باخت‌های بی‌دربی**

یادآوری فصل گذشته برای هواداران پرسپولیس خوشایند نیست. سرخ‌ها ۴ بار متوالی برابر سپاهان، زمین را با شکست ترک کردند. این ناکامی‌ها نه‌تنها تیم را پایین کشید، بلکه مسیر حضور آسیایی را هم مسدود ساخت اما این بار، در نخستین تقابل فصل تازه، ورق بر گشت. پیروزی اخیر در اصفهان به‌نوعی پایان کلبوسی بود که ذهن هواداران را ماه‌ها آزرده بود. حالا هواداران می‌توانند امیدوار باشند روند تلخ گذشته تکرار نخواهد شد.

■ **فشار سنگین بر دوش هاشمیان**

وحید هاشمیان در نخستین دیدار لیگ‌برابر فجر شهید سیاسی نمایشی به‌غایت ضعیف ارائه داد و از همان لحظه زیر تیغ انتقاد قرار گرفت. همه می‌انستند دیدار با سپاهان می‌تواند آینده نیمکت او را تعیین کند در چنین شرایطی، او تغییراتی اساسی در ترکیب و شیوه بازی اعمال کرد. اعتماد به برخی بازیکنان جوان و استفاده از مهره‌های تازه‌وارد باعث شد پرسپولیس چهره‌ای متفاوت نشان دهد. اگرچه همچنان در مالکیت تسوپ از حریف عقب بود اما توانست از موقعیت محدود خود نهایت بهره را ببرد.

■ **ضعف‌هایی که نمی‌توان نادیده گرفت**

با وجود برد نمی‌توان چشم بر کستی‌های پرسپولیس بست. خط دفاع هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. هماهنگی بین مدافعان میانی دچار خلل بود و همین موضوع بارها مهاجمان سپاهان را در موقعیت خطرناک قرار داد. تنها واکنش‌های بموقع سیدپیام نیازمند مانع فروپاشی دروازه شد. در خط میانی نیز پاس‌ها و تصمیم‌گیری‌ها آنطور که باید مطمئن نبود. این موارد نشان می‌دهد تیم همچنان در مرحله گذار قرار دارد و به زمان بیشتری برای تثبیت نیازمند است.

■ **ارزش روانی این ۲ امتیاز**

اما فارغ از ضعف‌های فنی، این برد ارزش معنوی بزرگی برای سرخ‌ها داشت. شکست دادن تیمی که طی سال‌های اخیر بارها

۲ تیم ملموس بود.

پرسپولیس به لطف همان مواردی که ذکر شد (مهارهای نیازمند، بی‌دقتی حریف و در مواردی خوش‌شانسی) دروازه خود را بسته نگه داشت و دقیقه ۴۴ پس از فرصت خوبی که رضواند نتوانست استفاده کند روی یک ضحمله سریع و با ۲ پاس خدایدنلو و عالی‌باش، موجبات فرار علیپور از میانه زمین در قلب دفاع یازده سپاهان را فراهم ساخت تا این بازیکن با ضربه دقیقش از پشت محوطه جریمه دروازه سیدحسین حسینی را بر خراف روند بازی بگشاید. روی این گل نباید از حرکت، دید و پاس عالی کاپیتان قرمزپوشان، جاگیری تیزهوشانه علیپور و ضعف معمول حسینی در عدم واکنش درست به سادگی گذشت!

نیمه دوم هم سپاهانی‌ها نتوانستند از بازی هجومی خود به‌گلی دست یابند، ضمن اینکه در این نیمه موقعیت‌های میزبان با وجود نیاز مبرم به گلزنی در قیاس با نیمه اول کاهش یافت و آنها فقط ۴ فرصت خطرناک خلق کردند. در بیان علت آن باید به خستگی برخی بازیکنان این تیم،



پیروزی شکننده و زنگ خطر با برجا برای قرمزها

شاد باشید اما با احتیاط



نتیجه بر تیم سنگینی کند. همین نکته نشان می‌دهد ضعف‌های ساختاری و اشتباهات فردی، عامل اصلی لرزش مداوم خط دفاع سرخ‌پوشان است.

■ **خطاهای فردی و نا هماهنگی‌ها**

مشخص بود برخی بازیکنان هنوز به شرایط ایده‌آل نرسیده‌اند. کنعان‌زادگان که سسال‌ها ستون دفاع سرخ‌ها بود، با کمبود هماهنگی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. ابرقویی نیز با وجود تلاش فراوان، چند بار در پوشش فضای پشت سرش دچار مشکل شد و

سهیل صحرایی؛ نهالی که می‌تواند درخت پرسپولیس شود

تولد یک ستاره

جناح چپ سپاهان با حضور زکی‌پور، حاج‌صفی و نورافکن از قدرتمندترین جناح‌های فوتبال ایران است. با این وجود،

صحرایی به کمک محمد خدایدنلو بارها توانست جلوی نفوذهای خطرناک این سمت را بگیرد. همین کافی است تا به هر بازیکن نمره قبولی داد. فوتبال مثل زندگی‌است؛ گاهی شانس سرنوشت را رقم می‌زند، اگر توپ‌های سپاهان تبدیل به گل می‌شد، امروز نگاه‌ها متفاوت نبود اما حقیقت این است که صحرایی توانست خودش را نشان دهد و اعتماد سرمربی را بیشتر جلب کند.

پرسپولیس اکنون در ۲



سد راه شده بود. اعتمادبه‌نفس از دست‌رفته را بازگرداند. هاشمیان به‌خوبی می‌دانست در چنین دیداری تنها نتیجه اهمیت دارد و شاگردانش همین مأموریت را به بهترین شکل انجام دادند. حتی اگر کیفیت بازی در برخی دقائق پایین بود، اهمیت این ۳ امتیاز انقدر بالاست که هواداران این نواص را فعلاً نادیده بگیرند.

■ **شرایط بازیکنان کلیدی**

پرسپولیس هنوز از تمام ظرفیت‌های خود استفاده نکرده‌است. اوستون آرونوف، ستاره‌ای که در فصل‌های گذشته نقش محوری داشت، به دلیل مشکلات بدنی به شرایط مطلوب نرسیده است. همچنین برخی چهره‌های تازه‌وارد هنوز به هماهنگی کامل با سایر نفرات نیاز دارند. بیماری یا مصدومیت چند بازیکن نیز دست هاشمیان را بسته است. همه اینها سبب شده سرخ‌ها نتوانند در بالاترین سطح خود ظاهر شوند. با این حال، اگر این مهره‌ها به مرور آماده شوند، کیفیت تیم به شکل چشمگیری افزایش خواهد یافت.

■ **نگاه به آینده؛ مدعی یا نه؟**

اینکه پرسپولیس با همین یک برد به عنوان مدعی اصلی قهرمانی معرفی شود، قضاوتی عجولانه است اما نشانه‌هایی وجود دارد که می‌تواند هواداران را امیدوار کند. روحیه جنگندگی، توانایی تحمل فشار و استفاده درست از فرصت‌های محدود، همگی از نکات مثبت بازی در اصفهان بود. اینها مؤلفه‌هایی است که هر تیم مدعی باید داشته باشد. اگر کار فنی بتواند ضعف‌های دفاعی را ترمیم کند و مهره‌های تازه‌وارد به هماهنگی برسند، پرسپولیس بار دیگر به جمع مدعیان اصلی باز خواهد گشت.

■ **نقش کلیدی هاشمیان**

وحید هاشمیان پس از سال‌ها حضور در کادرهای مختلف، حالا آزمون بزرگی پیش رو دارد. پیروزی در نقش جهان نشان داد او می‌تواند در بزنگاه‌های حساس تصمیم‌های درست بگیرد. با این حال، مسیر او بر از پیچ‌خ‌م خواهد بود. سرخ‌پوشان در ادامه لیگ با حریفان قدرتمند دیگری روبه‌رو می‌شوند و تنها نتایج پایدار می‌تواند جایگاه او را تثبیت کند. این برد اگرچه فشارها را کاهش داد اما به هیچ وجه پایان کار نیست، بلکه آغاز مسیری دشوار است. پرسپولیس در اصفهان چیزی بیش از ۳ امتیاز به دست آورد. آنها طلسم شکست‌های متوالی برابر سپاهان را شکستند، روحیه از دست رفته را بازیافتند و بارقه امید را دوباره روشن کردند اما همزمان، ضعف‌های جدی در ساختار تیمی مشاهده شد که در صورت بی‌توجهی، می‌تواند در ادامه لیگ دردسرساز شود. این پیروزی باید به‌عنوان نقطه شروع دیده شود، نه پایان راه. اگر مدیریت فنی و هماهنگی بازیکنان بهبود یابد، پرسپولیس می‌تواند بار دیگر به عنوان یکی از مدعیان اصلی قهرمانی لیگ مطرح شود. اما اگر به نقاط ضعف بی‌توجهی شود، همین برد ارزشمند هم به خطرهای گذرا بدل خواهد شد.

همین خلأ باعث شد کاوه رضایی و دیگر مهاجمان سپاهان چندین بار در موقعیت مطلوب قرار بگیرند.

در کنار میدان هم احمدزاده و صحرایی اگر چه پرتلاش بودند اما اشتباهات در ارسال پاس و تصمیم‌های شتاب‌زده آنها، توپ‌های ساده‌ای را در اختیار حریف گذاشت.

■ **شادی کوتاه‌مدت، کار زیاد پیش رو**

هاشمیان در نخستین برد لیگ برتری خود با پرسپولیس، گام مثبتی برداشت. غلبه بر یکی از رقبای جدی قهرمانی آن هم در زمین حریف، روحیه تیم را بالا برد اما واقعیت این است که کمتر گلزن در ترکیب سپاهان بخوبی حس می‌شد ولی شاید لازم مقابیل سایر حریفان. اگر این حجم از فضا و شانس گل داده شود، بعد است سرنوشت به همین خوش‌اقبالی رقم بخورد.

تیم باید پس از وقفه بازی‌های ملی، به برنامه‌ریزی دقیق‌تری بازگردد. بازسازی خط دفاع، کاهش خطاهای فردی و ایجاد انسجام در میانه میدان، ۳ کلید اصلی برای ادامه مسیر است.

این برد ارزشمند، زخمی عمیق در روحیه پرسپولیسی‌ها را التیام داد و هواداران را امیدوار کرد اما سرمربی و کادر فنی می‌دانند هنوز کار بزرگی در پیش است. تیمی که مدعی قهرمانی است نمی‌تواند با این همه لغزش و فرصت‌سوزی حریفان، آینده خود را تضمین کند. پس، هر چند در پایان بازی لیخند بر لب‌ها نشست اما این لیخند نباید طولانی باشد، چرا که صدای زنگ خطر همچنان از دل این پیروزی به گوش می‌رسد.

چون خود، بر اعچه و صحرایی، آینده‌ای روشن می‌بیند. اگر به آنها میدان داده و اعتماد به نفس‌شان تقویت شود، در پایان فصل می‌توانند به ستاره‌هایی چند میلیاردی در همین لیگ تبدیل شوند. چنین سرمایه‌ای اگر به درستی مدیریت نشود، در سال‌های بعد با هزینه‌های کلان بایداد از تیم‌های دیگر خریداری شود.

با این همه، کار فقط بر دوش باشگاه نیست. خود صحرایی هم باید مراقب باشد؛ مغرور نشود و قریب تعریف و تمجیدها را نخورد. فوتبال همان‌طور که امروز او را بالا آورده، فردا می‌تواند بی‌رحمانه زمین‌سوزی حریفان، آینده خود را تضمین کند.

هر چند در پایان بازی لیخند بر لب‌ها نشست اما این لیخند نباید طولانی باشد، چرا که صدای زنگ خطر همچنان از دل این پیروزی به گوش می‌رسد.

■ **حرف آخر**

سهیل صحرایی هنوز در ابتدای راه است اما نشانه‌های آینده‌ای درخشان در بازی او پیداست. اگر پرسپولیس صبور باشد و صحرایی هم مغرور نشود و همچنان بیاموزد، این نهال جوان می‌تواند درختی تنومند در قلب خط دفاع سرخ‌ها شود.